

همیشه‌ای

صفحه
آخر

اگر رفیق شفیقی درست پیمان باش
حریف خانه و گرمابه و گلستان باش
حافظ



■ حضرت امیر المؤمنین علی؛

کسی که به بندگان ظلم کند، خداوند خصم او خواهد بود.

■ آذان ظهر: ۱۳:۰۱ ■ غروب آفتاب: ۲۰:۰۶
■ آذان مغرب: ۲۰:۲۶ ■ نیمه شب: ۲۳:۰۱
■ آذان صبح: ۴:۱۶ ■ طلوع آفتاب: ۵:۵۶

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیرمسئول: عبدالله گنجی
■ سردبیر: دانیال معمار

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (ج)، کوچه توح، شماره ۱۴
■ کدپستی: ۴۵۵۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی: ۱۹۳۹۵۴۴
■ تلفن: ۳۳۰۳۳۰۰۰، شماره: ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ چاپ: ماهی
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ ماهی: www.hamshahronline.ir
■ ماهی: www.hamshahronline.ir

■ توزیع و اشتراک:
■ موسسه نشر گستر امروز
■ تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰

■ سازمان آگهی‌ها و نیازمندی‌ها:
■ خیابان قائم‌مقام فرآوری، میدان شجاع، خیابان شهید خدایی
■ شماره: ۲۹-۴۳۲۱۷۰۰، تلفن: ۸۸۸۶۱۸۱۹



گریبویچ

سربازها ناظر دارو خانه‌ها



پیونگ یانگ: کیم جونگ اون با انتقاد از مسئولان کره شمالی، مقابله با شیوع جهش‌دار پاندمی کرونا را به ارتش واگذار کرده است. اکنون سربازان به دارو خانه‌های پایتخت اعزام شده‌اند تا بر توزیع دارو و برای مبتلایان به «موارد تب» نظارت کنند. به گزارش دوپچه‌وله، حدود ۵۰۰ سال پس از اعلام رسمی شناسایی نخستین مورد ابتلا به ویروس کرونا، عامل بیماری کووید-۱۹ در شهر ووهان چین، کره شمالی که در همسایگی این کشور قرار دارد شیوع یکباره گسترده‌ای از پاندمی را تأیید کرد. رسانه رسمی کره شمالی و مقامات این کشور همچنان به تبعیت از کیم جونگ اون از به کار بردن واژه‌هایی مانند کرونا و کووید-۱۹ خودداری می‌کنند و از «موارد تب» سخن می‌گویند. دولت کره شمالی تا هفته گذشته هیچ مورد از ابتلا به کرونا در این کشور را به‌طور رسمی تأیید نکرده بود. اخیر گزارشی رسمی کره شمالی ۲۳ دیبهرشت با تأیید نخستین مورد مرگ یک بیمار مبتلا به کرونا از شناسایی صدها هزار مورد ابتلا به «تب» خبر داد.

اول آخر

فروشنده دوره گرد سبزیجات در هندوستان، جاده «در لداخ» ■ عکس: جنید بهت



تقویم / سالروز نویسنده تمام‌وقت



جعفر مدرس صادقی، از معدود نویسندگان ایرانی است که نوشتن را با سهل‌انگاری بر گزار نمی‌کند؛ یک نویسنده تمام‌وقت که هیچ چیز برایش مهم‌تر و بالاتر از نوشتن نیست. همه اینها را از ساختمان مستحکم و نشر دقیق و منحصربه‌فرد داستان‌هایش هم می‌توان فهمید. در داستان‌های او به شکل فشرده‌ای می‌توان حیات ایرانی را، از وهما، آرزو، آمال و کابوس‌هایشان را دید.

مدرس صادقی ۲۹ دیبهرشت ۱۳۳۳ در اصفهان به دنیا آمد. نوشتن را از سال ۱۳۵۶ با «بچه‌ها بازی نمی‌کنند» آغاز کرد و به هر دو فرم داستان کوتاه و رمان به یک میزان دلبستگی دارد و برخی از داستان‌های کوتاه‌هایش مثل «بدرها و پسر» و «جزو بهترین داستان کوتاه‌های تاریخ ادبیات ایران به حساب می‌آیند. مشهورترین حرف به معنای واقعی کلمه است. علاوه بر نوشتن، ترجمه هم می‌کند، مصحح متون ادبی کهن هم هست و با میراث ادبی مملکتش مثل اشیای گروسی که فقط به درد تزئین کنج قفسه کتابخانه می‌خورند، برخورد نمی‌کند؛ آنها را بازخوانی کرده و تدوین مجددی از آنها ارائه داده است. با این همه اما او اهل کلاس بر گزار کردن، شاگرد تربیت‌کردن و محفل و پاتوق درست کردن نیست. جعفر مدرس صادقی یک قانون دارد: ادبیات چیزی نیست که بشود به کسی یاد داد. ادبیات خواندنی است و تجربه کردنی؛ کشف و شهودی است که نویسنده در فرایند نوشتن به آن می‌رسد. او فقط در بند نوشتن داستان است؛ آنطور که باید روایت شود و برای رسیدن به این هدف هر کاری می‌کند. او از نقد ادبی بیزار است. از دسته‌بندی‌های تئوریک داستان کوتاه و داستان بلند و رمان متنفر است. از گروه‌بندی نویسنده‌ها در مکتب‌های ادبی مختلف حاشی می‌کند و به خوردن و آواکاش شخصیت‌های داستان‌هایش دیوانه می‌شود.

تصادف ۲ سارق خودرو



اورگون: پس از تصادف ۲ خودرو، افسر پلیسی که به‌صورت تصادفی در محل، حضور به‌هنگامی داشت متوجه شد هر دو راننده سارق خودرویی هستند که پشت فرمان آن نشسته‌اند. به گزارش فاکس‌نیوز، لی کوپر ۲۷ ساله و کریستین نیکول ۲۵ ساله مثل یک روز عادی مشغول رانندگی با خودروی مسروقه بودند که این حادثه برایشان پیش آمد. البته جرم‌های هر دو سارق پلیس را شامل می‌شود. خودرویی که کریستین نیکول سوار آن بود دست‌کم ۳ هفته پیش سرقت شده و پلیس به‌دنبال سارقان بود. به‌علت جمعیت بالای آمریکا و بالا بودن آمار جرم‌های مرتبط با سرقت، بخش حوادث رسانه‌های این کشور هر هفته چند شکستی قابل توجه دارد.

۱.۴۴ میلیون خودروی الکتریکی



سئول: گروه خودروسازی هیوندای موتور اعلام کرد که قصد دارد تا سال ۲۰۳۰ ۱ میلیارد در مجموع ۲۱ تریلیون وون (۱۶۵۴ میلیارد دلار) برای توسعه تجارت خودروهای الکتریکی خود در کره جنوبی سرمایه‌گذاری کند و این یعنی صنعت خودروسازی جهان با سرعتی بیش از آنچه پیش‌بینی می‌شد به سمت خودروهای الکتریکی پیش می‌رود. به گزارش رویترز، فقط گروه خودروسازی کره جنوبی که شرکت هیوندای موتور و کیا موتورز را در اختیار دارد، قصد دارد تا سال ۲۰۳۰ ۱ میلیارد سالانه ۱.۴۴ میلیون دستگاه خودروی برقی در کره جنوبی تولید کند. گروه خودروسازی در بیانیه‌ای اعلام کرد که حجم تولید ۱.۴۴ میلیون دستگاه خودروی برقی در کره جنوبی حدود ۴۵ درصد از مجموع ظرفیت تولید جهانی ۳.۲۳ میلیون دستگاه خودروی الکتریکی در سال ۲۰۳۰ را تشکیل می‌دهد. رویترز هفته گذشته گزارش داد که هیوندای قصد دارد یک کارخانه جدید تولید خودروهای برقی در ایالت جورجیا ایالات متحده بسازد. گروه هیوندای موتور سال گذشته، اعلام کرد که قصد دارد ۷.۴ میلیارد دلار در ایالات متحده تا سال ۲۰۲۵ برای تولید خودروهای الکتریکی، ارتقای امکانات تولید و سرمایه‌گذاری بیشتر خود در راهکارهای هوشمند تحرک، سرمایه‌گذاری کند.

فرهنگ و زندگی

بلند پروازی با فیلم کوتاه

فیلم کوتاه» شویید. باتوقی که به همت انجمن سینمای جوانان به راه افتاده و هر هفته به‌صورت رایگان ۴ فیلم کوتاه در آن به نمایش گذاشته می‌شود. می‌توانید در آمایش فیلم‌های فیلمسازانی که شاید در آینده‌ای نه چندان دور تبدیل به اسم‌های خبرساز و معتبر سینمای ایران شوند لذت ببرید؛ مگر نه اینکه از عباس کیارستمی و ابراهیم حاتمی‌کیا تا اصغر فرهادی و حتی همین سعید روستایی دورخیز خود را از سینمای کوتاه آغاز کردند. این ستاره‌های دنیای سینما هم زمانی در زمین خاکی پا به توپ بودند و از «سینما» لذت می‌بردند؛ اگر سینما باز هستید، فرصت سهیم شدن در فرایند کشف ستاره‌های آینده سینمای ایران را از دست ندهید!



دروازه را ایفا می‌کنند به هوا پرواز می‌کنند گنجانند؟ فوتبال هنوز هم در زمین‌های خاکی پر از «حال خوب» است. در مقیاس سینما هم فرایند تولید و عرضه فیلم کوتاه چیزی شبیه همین ماجرا است. زمین‌های خاکی فوتبال هنوز هم پیدا می‌شوند فیلمسازان و فیلمسازهایی که دل در گرو لذت سینما دارند و بدون تن دادن به قواعد زمخت و بی‌قواره‌ی آنرا و گیشه، «فیلم» می‌سازند و «فیلم» می‌بینند تا خودشان کیف کنند و از کارشان لذت ببرند.

اگر در اصالت این لذت تردید دارید، یک عصر دوشنبه از گرمای پایتخت به خنکای پردیس جارسو پناه ببرید تا مهمان «پاتوق

فراخوان



بی‌تعارف و تکلف، مثل همین متن کوتاهی که می‌بینید، ما منتظریم تا نوشته‌هایتان درباره مسائل روزمره، مشکلات و دغدغه‌هایتان را برای ما ارسال کنید. اگر اهل طنز و کاریکاتور و طراحی هم هستید جایتان اینجا محفوظ است. متن یا طرح‌تان که آماده‌شده یک تماشای شماره ۲۳۶۲۳۶۶۲۳۶ بگردید برای رساندنش به ما، راهنمایان کنید.

مان

خانه خوب، خانه بد



شیدا اعتماد

خانه هر چند که پوسته‌ای قابل لمس از دیوار و در و پنجره دارد اما از اینها ساخته نمی‌شود. چیزی که خانه را می‌سازد روحی است که توسط انسان در خانه ندیده می‌شود. رابطه انسان و خانه‌ها رابطه خالق و مخلوق نیست. با اینکه انسان با حضورش زندگی را در خانه جاری می‌کند اما اینکه زندگی به چه شکلی جریان پیدا کند تابع خانه هم هست. اینجاست که معماری وارد صحنه می‌شود. معماری است که تعیین می‌کند که چه فضایی بجای خانه قرار بگیرد و این فضاها چه ارتباطی با هم داشته باشند. نحوه قرارگیری فضاها هم به‌طور مستقیم بر نحوه زندگی در این فضاها اثر می‌گذارد. در واقع خانه‌کالبدی خنثی نیست که هر نوع زندگی را بشود در آن پناه کرد. شکل خانه و محل قرارگیری فضاها تعیین می‌کند که ساکنان کجای خانه جمع شوند، کجا مکث کنند، میز و کمد و تلویزیون را کجا قرار بدهند. کجا بنشینند، کجا غذا بخورند و تخت‌خواب را در کدام جهت قرار دهند. معماری در مجموع سنساریویی برای زندگی می‌چیند که فقط جزئیاتش قابل تغییر هستند. در خانه‌های کوچک یا در آپارتمان‌های متوسط شهری، انعطاف کمتری در معماری خانه‌ها وجود دارد که بخشی از آن تابع مسائل شهری، قوانین شهرداری و محدودیت‌های زمین است. اما خیلی از مشکلاتی که خانه‌های امروزه درگیرش هستند به‌سادگی می‌شد که نباشند.

این روزها که فصل جابه‌جایی و تغییر مکان است حتماً این را از بسیاری دوستان می‌شنوید که چقدر مسیر یافتن یک خانه خوب ناهموار است. حتی بدون در نظر گرفتن مسائل اقتصادی، باز هم پیدا کردن خانه‌ای که کیفیت قابل‌قبولی به زندگی ببخشد به این آسانی‌ها نیست. (بماند که در نظر گرفتن مسائل اقتصادی هم ناممکن است و این‌ها چیزهایی که بیشترین هزینه خانواده‌ها هزینه مسکن است.) خیلی از خانه‌هایی که باصرف هزینه‌های زیادی ساخته می‌شوند با اصول اولیه زندگی غریبه هستند. سازنده‌ها تجسمی از اینکه یک خانواده قرار است در این خانه زندگی کنند ندارند. فکر نمی‌کنند که کودکی قرار است در این خانه نخستین قدم‌هایش را بردارد. فکر نمی‌کنند که باید پنجره‌ای رو به کوچه باشد که بشود وقت دلنگنی کنارش ایستاد. هیچ‌وقت زوج جوانی را تجسم نمی‌کنند که با ذوق خانه را برای شروع زندگی مشترک‌شان می‌چینند. انسان زندگی‌بخش است اما همین انسان هم باید پنجره‌ای رو به آسمان و آسمانی پشت پنجره‌اش باشد که بتواند بنایی را به خانه تبدیل کند.



باشگاه نویسندگان



امتداد اردیبهشت‌ها

مریم ساحلی

روزنامه‌نگار



هر چند ساله باشیم، تفاوتی ندارد، اردیبهشت که به پایان خویش نزدیک می‌شود، اندوهی گس بر شاخ و برگ جان آدمی می‌خورد. گریه که هزار سال از روزهای درس و مشق و امتحان دور شده باشیم اما باز این اضطراب غریب که در آخرین روزهای اردیبهشت، می‌لود، رهامان نمی‌کند. هراس نزدیک و نزدیک‌تر شدن خرداد، شب‌های امتحان، خودکار دواندن‌های عرق‌ریز بر برگه‌های سؤال با ماست. هنوز هم که هنوز است، نفس‌های خرداد آغاز نشده، بیخ‌گوش‌هامان، هر می‌گرم دمیده می‌شود و تصویر پنجره‌ها باز کلاس‌ها و صدای بند و اندرزهای آخر سال معلم‌ها آغاز قد می‌کشند از سال‌های دور و خود را می‌رساند به ما. یک شب‌هایی هم کابوس تمام نشدن کتابی که باید امتحان بدیم و جزوه گمشده و خواب‌ماندن در صبح روز امتحان، شب‌مان را هراسناک می‌سازد.

کم نیستند آنها که اردیبهشت را قشنگ‌ترین ماه سال می‌دانند. ماهی که می‌شود بهار را به دور از رسم و رسوم و فکر و خیال‌های فروردین و تصمیم شروعی دیگر به تماشای نشست، ولی امان از پایانش که انگار آخر بهار است. انگار نه انگار که خردادی مانده است هنوز. شاید این حس و حال عجیب و غریب‌مان بر می‌گردد به اردیبهشت‌هایی که دفترهای یادگاری را باز می‌کردیم و می‌دادیم دست همسازگرهای معلم‌ها مان تا خط بنویسند و امضا کنند. شاید آن روزها حواسمان به فراداهای دور نبود یا اگر بود کمتر به این بود که مثلاً، چهل سال بعد می‌خواهیم بنشینیم و خاطرات‌مان را مرور کنیم. ما همان اردیبهشت دلتنگ می‌شدیم برای در کنار هم بودن؛ دور ماندن‌ها در روزگاری که کمتر خانهای تلفن داشتند. اردیبهشت برای ما شاید همان مهرماهی بود که به آخر رسیده بود. این بود که دیگر به فکر و آشتی‌ها و آسان‌ها سختگیر بودن معلم‌ها فکر نمی‌کردیم. پس بر حاشیه برگ برگ دفترهای ساده‌مان، کج و معوج، گل و بلبل نقش می‌زدیم تا معلم‌ها همسازگرهای ما برای‌مان چند کلمه بنویسند. کلماتی که در شادمانی از راه رسیدن فصل تعطیلات و آندوه دور ماندن‌ها برقصند و چراغ یادها را روشن نگه دارند.

اردیبهشت

بوک مارک

پیرمرد و دریا

ارست هینگوی در گلف‌استریم ماهی می‌گرفت و حالا ۸۲ می‌شد که هیچ ماهی‌ای نگرفته بود. در ۴۰ روز اول پسرهای با او بود. اما چون ۴۰ روز گذشت و ماهی نگرفتند پدر و مادر پسر گفتند که دیگر محرز و مسلم است که پیرمرد «سالانو» است که بدترین شکل بداقبالی است و پسر به فرمان آنها با قایق دیگری رفت که همان هفته اول ۳ ماهی خوب گرفت. پسر غصه می‌خورد، چون می‌دید پیرمرد هر روز با قایق خالی بر می‌گردد و همیشه می‌رفت چنبر ریسمان یا بنتوک و نیزه و بادبان پیچیده به دکل را برای پیرمرد به‌دوش می‌کشید. بادبان یا تکه‌های گونی آرد وصله خورد می‌بود و پیچیده، انگار که بر چرم شکست دائم بود.

دیالوگ

روبان قرمز

ابراهیم حاتمی‌کیا «مرور روز می‌باهله است آقا داوود، یا تو پسر حقی یا من. می‌بینی، نه دادگاهی هست و نه مردمی، محبوبه شاهده و خدا که اون بالا قضاوت می‌کنه. اگر حق با تو باشه جراث مینی هست که میره زیر پای من ولی اگر تو ناحق باشی آقا داوود... به این دادگاه شک نکن پاشو بیا».

آخر مصور



جست‌وجو / اثر احسان چراغی ابراشاهی